



بررسی رابطه عرفان و سیاست در صحیفه سجادیه

خلاف دیدگاه‌هایی که قایل به امتناع تأسیس اندیشه و رفتار سیاسی در حوزه عرفان است؛ تعلیم دینی امام سجاد(ع) در قالب ادعیه موجود در صحیفه سجادیه می‌تواند به تأسیس اندیشه سیاسی، گرایش سیاسی و رفتار سیاسی بیانجامد.

خلاف دیدگاه‌هایی که قایل به امتناع تأسیس اندیشه و رفتار سیاسی در حوزه عرفان است؛ تعلیم دینی امام سجاد(ع) در قالب ادعیه موجود در صحیفه سجادیه می‌تواند به تأسیس اندیشه سیاسی، گرایش سیاسی و رفتار سیاسی بیانجامد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، صحیفه امام سجاد (ع) یکی از میراث‌های گرانسنگ اندیشه اسلامی است. مجموعه‌ای از دعاها که از حیث سند و مضمون بسیار معتبر است و بعد از قرآن تنها اثری است که به صورت کتاب از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری در دسترس بوده است. در حالی که نهج البلاغه در قرن چهارم به صورت کتاب درآمده است. در نگاه اول وجه عرفانی و اخلاقی آن بیش از سایر وجوه جلب توجه می‌کند. این صحیفه از ادعیه‌ای تشکیل شده که در واقع «؛قرآن صاعد» است و می‌کوشد که انسان را به نوعی با خداوند ارتباط دهد.

با این همه سؤال این است که اگر از منظر اندیشه و رفتار سیاسی بدان نگرسته شود، آیا محقق می‌تواند توشه‌ای بردارد؟ آیا اندیشه‌ها و متون عرفانی آن می‌تواند به امکان شکل‌گیری اندیشه سیاسی و نیز تولید گرایش‌های سیاسی و در نهایت سهمی در تحولات، رفتارهای سیاسی و ایجاد یک نظام سیاسی بینجامد؟ صحیفه سجادیه به عنوان یک «؛متن» در دوران تأسیس یک نظام سیاسی اسلامی چه پیام‌هایی می‌تواند داشته باشد؟ کوتاه سخن آن‌که اندیشه‌ها و متون عرفانی همانند صحیفه سجادیه چگونه می‌تواند با اندیشه‌های سیاسی؛ گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی نسبت برقرار کند؟

انسان‌هایی که تحت تأثیر تعلیم این دعاها و پیام‌های این کتاب قرار می‌گیرند و می‌کوشند تا آن‌ها را به ضمیر ناخودآگاه خود بفرستند، در برخورد با مقوله سیاست در دو سطح تحلیل حکومت‌شوندگان و حکومت‌کنندگان چگونه کنش یا واکنشی را اتخاذ می‌کنند؟ آیا امکان دارد متن ادعیه و مناجات امام سجاد(ع) را در «؛افق زمانی» خود و در ذیل یک نظام اسلامی در قرن حاضر، ترجمه و یا قالب‌شکنی و قالب‌ریزی کنیم؟ نویسنده برخلاف دیدگاه‌هایی که قایل به امتناع تولید اندیشه سیاسی در حوزه عرفان می‌باشند، بر این باور است که اندیشه‌ها و تعلیم عرفانی امام سجاد(ع) می‌تواند به امکان تأسیس اندیشه، گرایش و رفتار سیاسی بینجامد. گویی اسفار اربعه و سیر و سلوک چهارگانه عرفانی که عارف در جهان درون طی می‌کند، در سیاست و جهان برون نیز مشابه‌سازی می‌شود. هر چند بسته به «؛بسط ید» و ظرفیت‌ها و میزان قدرت عارفان، واکنش و خطمشی‌های عارفان دگرگون شده و می‌شود. مفروض نویسنده آن است که عرفان ناب اسلامی سرچشمه‌ای جز قرآن، حدیث و سنت ندارد و فرض منشأ غیراسلامی معقول نیست. به این ترتیب عرفان با حدیث ارتباط برقرار می‌کند.

* ادعیه و رفتار سیاسی

بخشی از ادعیه به ویژگی‌های رفتاری انسان اختصاص دارد. «؛احکام» متکفل این بعد است. مدعا این است که دعاها یا حضرت در صحیفه سجادیه الهام‌بخش نوعی رفتار سیاسی است. در واقع این ادعیه نوعی «؛کنش گفتاری» است. در کنش گفتاری سخن آن است که در گفتارهایی که صورت می‌گیرد، مبادرت به نوعی عمل می‌شود. وقتی همسر در مراسم ازدواج می‌گوید «؛بله می‌پذیرم» با اظهار این «؛لفظ»، عملی انجام می‌دهد که بخشی از کل عمل ازدواج است. یا زمانی که فرد می‌گوید «؛قول می‌دهم»، «؛شرط می‌بندم»، «؛پوزش می‌خواهم» (توبه می‌کنم) در همه این گفتارها فرد متعهد به انجام عملی می‌شود. و یا دیگران را به برانگیختن عملی در آینده دعوت می‌کند. بنابراین همه باید‌ها و نبایدها، اوامر و نواهی، هشدارها، توصیه‌ها، تعهد دادن و خود را مکلف یا مسؤول دانستن، تأیید کردن یا تکذیب کردن، همگی در ذیل کنش گفتاری قرار می‌گیرد. وقتی عملی در ادعیه مورد مذمت قرار می‌گیرد، معنای این نکوهش آن است که نباید آن را انجام داد و من آن را انجام نمی‌دهم. و یا بر عکس زمانی که از خداوند توفیق عمل در سلسله اعمالی آرزو می‌شود، معنای آن هم مکلف کردن خود به انجام دادن آن است و هم تقاضا و دعوت از دیگران که به آن کار اقدام کنند. به دعای زیر بنگرید:

«؛اشکو الیک یا الهی ضعف نفسي عن المسارعة فيما وعدته اولیائک و المجانبه عما حذرته اعداءک»: خدایا به تو شکایت می‌کنم از قصورم در عدم عمل سریع به اعمالی که به اولیائت وعده دادی و در پرهیز از آن‌چه که دشمنانت را از آن‌ها بیم دادی» (10/51).

در این دعا امام ضمن تأیید عمل اولیا و تکذیب عمل اعدا و دشمنان خداوند، از نفس خود و مناجات‌کنندگان می‌خواهد که در عمل به سیره اولیا بشتابند و از سیره دشمنان خدا بپرهیزند. و یا در متنی که دارای مضامین سیاسی‌تر و آشکارتري است، امام از خداوند تقاضای توفیق در اعمال روزانه‌ای را مسألت می‌کند که بیانگر عرفان مثبت و توجه به مسؤولیت اجتماعی عارف است:

«؛اللهم صلي علي محمد و آله، و وقفنا في يومنا هذا و ليلتنا هذه و في جميع ايامنا... الامر بالمعروف، و التهي عن المنکر و حياطة الاسلام و اتقاص الباطل و اذلاله و نصرة الحق و اعزازه و ارشاد الضال و معاونة الضعیف» (18/6).

در این دعا امام از خداوند توفیق عمل در امور ذیل را مسألت می‌کند. 1) عمل به امر به معروف و نهی از منکر یعنی تقاضای عمل کردن

به معروف‌ها و اجتناب ورزیدن از منهیات الهی از دیگران؛ 2) پاسداری و حفظ از اسلام؛ 3) کوبیدن باطل و یاری حق؛ 4) کمک به گمراهان و راه گم‌کردگان و ارشاد آنان به صراط مستقیم اسلام؛ 5) یاری رساندن به ضعفا و ناتوانان و پناه دادن به آنان. همه این کنش‌های سیاسی، مندرج در متن دعایی است که امام عارفان با خدای خویش در میان می‌گذارد و به عنوان آرزوهایی طرح می‌کند که علاقه‌مند است در کارنامه عمل روزانه‌اش ثبت شود.

* در اندیشه سیاسی امام سجاد(ع) موضوعاتی از سیاست داخلی و خارجی به چشم می‌خورد

همراهان: در اندیشه سیاسی امام سجاد(ع) موضوعاتی از سیاست داخلی و خارجی به چشم می‌خورد. اجتماعی بودن، به جماعت مسلمین ملحق شدن و لزوم رعایت وحدت جامعه اسلامی از جمله مواردی است که در قالب دعا به مسلمانان آموزش داده شده است. این امر از مشخصه‌های عرفان مثبت است که درون‌گرایی عرفانی، عارف را از توجه به جمع باز نمی‌دارد. امام «#؛ لزوم جماعت» و نزدیک‌سازی نگرش‌ها و گرایش‌های جناح‌های مختلف (اصلاح ذات‌بین) را به عنوان ارزش می‌ستاید و از خداوند می‌خواهد که در جامعه، منشأ اثر باشد:

«#؛ و صَمَّ اهل الفرقة، و اصلاح ذات البین و افشاء العارفة... و اکمل ذلك لي بدوام الطاعة و لزوم الجماعة». خداوند مرا بر آن دار تا آتش فتنه‌ها را خاموش کنم، جناح‌های متفرق جامعه را یک‌جا گرد آورم و تیرگی‌ها را (در میان مسلمانان) به صفا مبدل سازم و نیکی را در میان جامعه همه‌گیر سازم... و همه این‌ها را با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت کامل بفرما» (10/20).

بنابراین بخشی از محتوای دعاها (ع) معطوف به مسلمانان و مؤمنان و شیعیان است که می‌کوشند در صراط مستقیم اسلام گام بردارند و یا در گذشته در طول تاریخ اسلام در این راه گام نهاده‌اند. توصیف تأییدآمیز این رهپویان حق، از محورهای کانونی ادعیه امام سجاد(ع) است. در رأس این راهپویان حق، رسولان و انبیای الهی می‌باشند که امام در باب آنان مطالبی دارد سپس پیروان انبیا و پیامبر اسلام(ص) در طول آنان قرار می‌گیرند و همراهی آنان مورد ستایش قرار گرفته است آن‌گاه اهل بیت پیامبر(ص) به عنوان حاملان رسالت انبیا و سالکان مستقیم مورد بحث قرار گرفته‌اند و در سیاق اثباتی و با ذکر انبوهی از صلوات و درود بر محمد و آل محمد(ص) تلویحاً نظام موجود را نفی و مسلمانان را به نظام سیاسی صالح و حکومت حقه توجه داده است و در همین ارتباط اطاعت از ائمه(ع) مورد تأکید و توصیف قرار گرفته است. و فداکاری شهیدان راه حق یادآوری شده است و در قالب کنش گفتاری دعا از خداوند خواسته شده است که ما را نیز در صف شهدا قرار دهد و به تعبیر دیگر ضمن تأیید عمل شهیدان، آرزوی شهادت‌طلبی می‌کند؛ زیرا شهید، سعید است:

«#؛ حمداً نسعده في السعداء من اوليائه، و نصير به في نظم الشهداء بسيف اعدائه... خداوند را سپاس... آن‌گونه که بدان در زمره نیک‌بختان و دوستان خدا درآییم و در صف و رده شهیدان قرار گیریم، آنان که با شمشیرهای دشمنان خدا کشته شدند (30/1). در این فراز امام آشکارا آرزو می‌کند که در راه خداوند همچون شهیدان گذشته اسلام و در مبارزه با دشمنان خدا به شهادت برسد و اتحاد راستین عرفان و حماسه را به نمایش می‌گذارد.

* امام سجاد(ع) می‌گوید عرفان با شجاعت و حماسه سازگار است

بوعلي سينا ضمن تبیین عرفان عارف را شجاع می‌داند و می‌گوید: «#؛ العارف، شجاع و كيف لا و هو بمعزل عن تقيه الموت» آیت‌الله جوادی آملی ضمن عنوان این بیان در شرح فراز یاد شده از امام سجاد(ع) می‌گوید عرفان با شجاعت و حماسه سازگار است. هیچ عارفی جبان و ترسو نیست. زیرا عارف از مرگ نمی‌ترسد. وقتی از مرگ نترسد قهرأ شجاع است. آن‌که از مردن هراسناک است، عارف نیست. به نظر وی در این عبارت امام سجاد(ع) آرزوی شهادت‌طلبی در مبارزه و ترکیب عرفان و حماسه کاملاً مشهود است امام از هزینه‌های گوناگونی که پیروان حق برای پیمودن صراط مستقیم پرداخته‌اند یاد می‌کند. از هجرت پیامبر(ص) ستایشگرانه می‌گوید: «#؛ و هاجر الي بلاد الغربة... ارادة لاعزاز دينك: خداوند بر پیامبرت درود فرست... او که به سرزمین غربت مهاجرت کرد تا دین تو را عزیز و پیروز بدارد (16/2).

توصیف مدح‌آمیز همراهان و دوستانی که در صحنه حاضر بودند محدود نمی‌شود. بلکه غایبانی را که «#؛ نیت» همراهی را داشته‌اند دربر می‌گیرد. نیت همراهی برای غایبان قاصر و فاقد قدرت و اطلاع کفایت می‌کند:

«#؛ اللهم و اتباعُ الرسل و صدقوهم من اهل الارض بالغيب عند معارضة المعاندين لهم بالتكذيب و الاشتياق الي المرسلين بحقائق الايمان: خدایا سلام بر آنان از اهل زمین که رسولان تو را غایبانه تصدیق کردند. در حالی که معاندین با پیامبران را تکذیب کردند و همچون مؤمنان حقیقی با حقیقت ایمان‌های خود مشتاق رسولان الهی در هر عصر و زمان بودند (1/4).

امام در دعای دیگر بر نقش «#؛ نیت‌کاوی» و «#؛ نیت‌مداری» در رفتار سیاسی در مصداقی مانند کارزار تأکید می‌ورزند و می‌گویند: خداوند هر مسلمانی که هم و آهنگ و نیت یاری و الحاق به صف مبارزان راه خدا را در سر داشت اما عملاً موفق به انجام فیزیکی آن نشد وی را در شمار صالحان و شهیدان قرار ده:

«#؛ خداوند هر مسلمانی که امر اسلام او را مهم آید و از اجتماع «#؛ مشرکان» در برابر «#؛ ملت اسلام» اندوهگین شود تا جایی که قصد جنگ کند یا آهنگ جهاد کند ولی ضعف و ناتوانی او را خانه‌نشین کرد و یا تنگدستی کارش را گند سازد یا پیشامدی تصمیم او را به تأخیر اندازد یا در برابر اراده‌اش مانعی قرار گیرد. پس نامش را در زمره شهیدان و صالحان قرار ده (17/27).

اراده معطوف به قدرت:

امام در این فراز از دعا می‌رساند که رفتار سیاسی، معطوف به قدرت است. قدرت و استطاعت پیش‌نیاز رفتار سیاسی در سیاست داخلی علیه حاکمان ظالم و مقابله با قدرتهای خارجی است. در صورت فقدان و یا کمبود آن تصمیمات لغو و یا به تأخیر می‌افتد. هر چند «نیت» خوب، امری ممدوح است. اما این «نیت» خیر باید با توان و قدرت توأم شود:

«اعْتَبِ عَلَي صَالِحِ النِّيَّةِ.. وَ لَا تَكْلَنِي إِلَي حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ: خدایا مرا در نیت شایسته یاری کن و مرا به جای توان و قدرت خودت به توان قدرت خودم وامگذار (113/47).

همین نیت خالص و فی سبیل الله است که انگیزه فداکاری شخصی در راه مقاصد اجتماعی است. یعنی در صورتی فرد حاضر به پرداخت هزینه در رفتار سیاسی است که خلوص نیت در رفتار حاضر باشد در این صورت هم‌زمان هم خود به غایت و کمال مقدر خود می‌رسد و هم مصالح اجتماعی و جامعه و کشور محقق می‌شود (10، ص: 10). امام سجاد(ع) انگیزه‌های رزمندگان مسلمان را به اعلا درجه رساندن دین خدا، قوی‌تر کردن حزب خدا می‌داند:

«اللهم وَ قُوِّ بِذَلِكَ مُحَالَ أَهْلَ الْإِسْلَام، وَ حَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ وَ ثَمَرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ» خداوندا به آنچه گفته شد قدرت کشور اسلامی و اسلامیان را افزایش ده، شهرهایشان را در دژ مستحکم خود قرار ده و اموالشان را فزونی ده» (7/27).

امام در جای دیگر از خداوند تقاضا می‌کند که خود و امت اسلامی «بسط ید» پیدا کنند و «ید» استعاره از قدرت در اشکال گوناگون فردی و اجتماعی و ملی آن است. تا با این قدرتمندی توان مقابله با ظلم ظالمان در سطح تحلیل فردی، کشوری و بین‌المللی حاصل گردد، بنابراین از خداوند در دعایی معطوف به قدرت می‌فرماید: «وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَي مَنْ ظَلَمَنِي» (8/20) و در جای دیگر از استعاره «عضد» و بازو بهره می‌گیرد که درخواست قدرتمندی است: «اللهم اشدِّدْ بِهِمْ عَضْدِي: خدایا بازویم را با وجودشان نیرومند ساز» (4/25). هر چند سیاق بسیاری از جملات متکلم وحده است اما امام همه خوبی‌ها و مطلوب‌هایی را که از خداوند تقاضا می‌کند برای همه رهروان صراط مستقیم اسلام از مسلمین و مسلمات و مؤمنین و مؤمنات آرزو می‌کند: «وَ اعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ أَجَلِ الْآخِرَةِ» (12/25).

* امام از خداوند می‌خواهد که کینه دشمن و انتقام‌کشی از او را در قلبش پرورش دهد

دشمنان: یکی از مختصات یک رفتار سیاسی، معطوف به دیگری بودن است. رفتار سیاسی، رفتاری است که در یک تعامل و هم‌وزنی به وقوع می‌پیوندد. بخش بزرگی از رفتار سیاسی جنبه واکنشی دارد و منوط و مرتبط با کنش یا واکنش رقبا و دشمنان و دیگری است. از تحلیل محتوا و متن ادعیه صحیفه سجادیه محورهای زیادی به دست می‌آید که نشان می‌دهد دشمن، رقیب و مخالف پیوسته در کانون توجه است. به دلیل محدودیت فضای مقاله بخشی از مطالب تئوریزه شده در باب دشمنان و مخالفان راه خدا در صحیفه سجادیه صرفاً با ذکر دعا و فراز آن و بدون استناد مستقیم ذکر می‌شود:

در بخشی از این موارد امام یادآور می‌شود که «اصل ضدیت» و «اصل هویت» یا آنچه که از آن به عنوان تولی و تبری یاد می‌شود، از اصول دینداری است. «خدایا من کسی هستم که به سوی دین‌ات هدایت کردی و در حزب خودت (حزب‌الله) وارد کردی و در جهت دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان ارشادم کردی (67/47) بنابراین امام از خداوند می‌خواهد که کینه دشمن و انتقام‌کشی از او را در قلبش پرورش دهد (4/51 و 49/5) و از آشتی‌ناپذیری با دشمنان حق و دل صاف نکردن با او سخن می‌گوید (10/44).

سپس از سلسله اقداماتی یاد می‌کند که همواره در هم‌وزنی با مخالفان راه خدا و وی صورت می‌گیرد و نشان دهنده اشتغال خاطر وی است؛ از این‌که او پیوسته در صدد ضربه زدن به ماست و اگر ما او را فراموش کنیم او ما را فراموش نمی‌کند (6/25) و نیز تدبیر علیه دشمن کردن (تدبیراً علی عدوک) (13/20)؛ درصدد کشف نقشه دشمن بودن و در صدد خنثی کردن مکر دشمن (8/20) و تقاضای کمک از خداوند برای خنثی کردن طرح‌های غافل‌گیرانه آن (5/49)؛ در اثر مزاحمت دشمن و امنیت نداشتن فراغت برای عبادت نیز با مشکل مواجه می‌شود. و فرّقْهُمْ عَنْ مُحَارِبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ (7/27)؛ تقاضای قوی کردن جبهه مؤمنان و تضعیف جبهه مقابل به صور مختلفی که ذکر می‌فرمایند (8-2 / 27). به طوری که نمی‌دانم مرا از شر دشمنان محفوظ بدار (132/47)؛ شکرگذاری از شکست نقشه‌ها و اقدامات دشمن در صور مختلف (8-4/49).

در جای دیگر امام حساسیت خود به «گفتار دشمنان» را نشان می‌دهد: خدایا مرا از سرزنش و شماتت دشمنان محفوظ بدار (119/47 و 8/8)، دشمن شاد نشدن (119/48)، تقاضای قدرت از خداوند برای مقابله گفتاری با دشمنان: و لِسَانًا عَلَي مَنْ خَاصَمَنِي (8/20) و تکذیب کردن اتهام زندگان و دشنام‌دهندگان (8/20).

در عین حال امام از خداوند می‌خواهد که در رفتارهای مقابله‌ای توفیق رعایت محدودیت‌های اخلاقی را پیدا کند: وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَعْمَالِهِ (7/14). ظلم نکردن در صورت قدرت علیه دشمنان (14/20) و عدم انتقام‌کشی و بخشش آنان در روز قدرت: اَعْرِضْ بِالْتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ (3/26) و در هر صورت رفتار خود با دشمنان و غیر را در قالب عدم پذیرش ظلم و متقابلاً عدم ظلم به آنان تعریف می‌کند: اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ (10/14). امام از خداوند همچنین مسألت می‌کند که در همه حال رفتار سیاسی بر محور احکام اسلامی باشد و در صدد کسب خشنودی خداوند باشد تا حتی دشمن از ظلم نکردن ما آسوده خاطر و ایمن باشد: حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ جَوْرِي (13/22). امام از خداوند می‌خواهد که حامی ظالم در ظلم کردن نباشد: وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا (132/47 و نیز 4/8) و

متقابلاً از این که در حضورش از سویی ظالمی، ظلمی به مظلوم صورت بگیرد و به یاری مظلوم نشتابد به خداوند پناه می‌برد: اعتذر اليك من مظلوم ظلم بحضرتي فلم انصره (1/38) و نصرت مظلومين را به عنوان يك وظيفه از خدا مسألت می‌کند (2/26).

* یکی از محورهای جالب جلوه سیاست در ادعیه عارفانه امام سجاد توجه امام به موضوع سیاست خارجی است

یکی از محورهای جالب جلوه سیاست در ادعیه عارفانه امام سجاد توجه امام به موضوع سیاست خارجی است که در دعای مرزبانان تجلی یافته است. امام در این دعای طولانی اوج مصلحت‌گرایی، تساهل و مدارای خود را نشان می‌دهد و این که جهانی می‌اندیشد و روزی که مصالح جهانی اسلام مطرح است و دشمن خارجی رویاروی ایستاده است باید به اسلام و مسلمانان به معنای اعم اندیشید (15، ص: 36). حتی تسلط خاندان بنی‌امیه و مروانیان بر خلافت اسلامی مانع از اتخاذ این سیاست نمی‌شود. امام در همه فرازهای دعا از تعبیر «مسلّم» و «مسلّمین» و «اهل ثغور» استفاده می‌کند که اصطلاح عام‌تری نسبت به مؤمنان یا شیعیان اهل بیت است تا به تحکیم هویت مشترک برای مقابله با دشمن مشترک بهره گیرد (14، ص: 222).

فراتر از آن امام حتی از خداوند طلب ساز و کارهایی را تقاضا می‌کند که با معطوف شدن انرژی و توان دشمنان و مشرکان به یکدیگر و اشتغال خاطر و رفتار آنان به یکدیگر موجب انصراف توجه و رفتار آنان نسبت به مسلمانان شود. امام سجاد (ع) مشابه تعبیر «اللهم اشغل الظالمين بالظالمين» در این جا چنین می‌فرماید:

«اللهم... واجعل له شغلاً فيما يليه و عجزاً عما يُناويه» (6/16) خداوند!... مشغولیتی برای او ایجاد کن که با درگیر شدن در آن، از فکر خصومت من ناتوان شود و یا می‌فرماید: «اللهم اشغل المشركين بالمشركين عن تناول اطراف المسلمين، وخذهم بالنقص عن تنقصهم و تبطهم بالفرقة عن الاحتشاد عليهم» (10/26) خداوند! مشرکان و کافران را از دست‌اندازی به مرزهای مسلمانان با مشغول داشتن آنان به یکدیگر به خودشان واگذار و با کاستن از تعدادشان از به هلاکت رساندن و کاستن مسلمانان جلوگیری کن و با پراکنده‌سازی از اجتماع و وحدت از محاصره شدن مسلمانان بازدار.

* عرفان امام سجاد علیه‌السلام وی را از توجه به سیاست خارجی دولت اسلامی باز نمی‌دارد

امام در این فراز نیز با اشاره به دشمنان خارجی که در آن زمان مسلمانان را احاطه کرده بودند اولاً می‌رساند که عرفان امام سجاد علیه‌السلام وی را از توجه به سیاست خارجی دولت اسلامی باز نمی‌دارد. بنابراین از دشمنان خارجی مانند هند، روم، ترکستان، خزر، حبشه، زنگبار، سقالبه و دیالمه (آل بویه) با لفظ تعبیر می‌کند. ثانیاً از خداوند می‌خواهد که این دشمنان را به یکدیگر مشغول کند تا از توجه و متمرکز کردن انرژی‌شان علیه مسلمانان جلوگیری شود و یا با تفرقه افتادن در میانشان از اجتماعشان علیه دشمن مشترک یعنی سرزمین‌های مسلمان‌نشین جلوگیری شود. زیرا اجتماع و وحدت آنان، قدرت عظیمی برایشان ایجاد می‌کند و با آن قدرت می‌توانند اولین بخش‌های سرزمین‌های مسلمانان یعنی «اطراف» یا مرزها و حاشیه‌ها را در معرض خطر و حمله قرار دهند. شاید دعای امام به نوعی الهام‌گر عمل سیاسی هم باشد که مسلمانان باید بکوشند تا از وحدت آن‌ها جلوگیری و با به جان هم انداختن آن‌ها به یکدیگر، فرصت هدف قرار دادن خود به عنوان «دشمن مشترک» را از بین ببرند. موضوعی که در طول جنگ سرد در جریان بود.

فراتر از آن امام در ادامه همین دعا از خداوند می‌خواهد که اگر مقدر شده است که این رزمندگان به شهادت و سعادت برسند، این شهادت پس از آن تحقق یابد که ضربات قاطعی بر دشمن وارد کرده باشند و تعدادی را به قتل و یا اسارت رسانده و امنیت را برقرار کرده باشند. بنابراین به مؤمنان آموزش می‌دهد که در کنش شهادت‌طلبی، شهادت فی‌نفسه نباید هدف قرار گیرد، بلکه ضربه زدن به دشمن و خنثی کردن تهدیدات آن‌ها نسبت به جامعه اسلامی باید در کانون توجه باشد. بنابراین شهادت و فناء فی‌الله، لقاءالله را که یکی غایات اصلی عارفان فی‌الله و عرفان امام سجاد (ع) است، به هدف حفاظت از کیان سرزمین اسلامی به عنوان يك امر سیاسی گره می‌زند و اوج دخالت عرفان در سیاست در منطق امام سجاد (ع) را به نمایش می‌گذارد:

«و ادلّ له منهم، ولا تدلّهم منه، فان حتمت له بالسعادة، و قضيت له بالشهادة فبعد أن يحتاج عدوك بالقتل... بعد أن يؤلّي عدوك مدبرين. مؤمنان را بر کافران غلبه ده و آن‌ها را بر ایشان چیره مگردان، پس اگر زندگانی‌شان را به خوشبختی و سعادت پایان داده و شهادت را برایشان مقدر کردی، شهادتش پس از آن باشد که دشمنت را با قتل به هلاکت رسانده و یا پس از آن باشد که وی را به اسارت گرفته و یا پس از آن باشد که در مرزهای مسلمانان امنیت برقرار گردیده و یا پس از آن باشد که دشمنان با هزیمت و شکست جبهه نبرد را ترک کرده باشند (15/27).

به این ترتیب هم فرد به غایت الهی و کمال خود می‌رسد و هم جامعه از فداکاری‌های وی بهره‌مند می‌شود و معمایی اصالت فرد یا اصالت جامعه در این منطق حل می‌شود.